

احزاب و نشاط سیاسی در ایران (مطالعه موردی: در دولت یازدهم)

علی محمد حقیقی، مسلم بامری^۲

چکیده

نشاط سیاسی و آرامش روانی در هر کشوری لازمه هماهنگی و بهاء دادن به انجمن‌های مردم‌نهاد به ویژه احزاب و تشکل‌های سیاسی است که نقش بی‌بدیلی در ارتقاء آگاهی‌های سیاسی و مشارکت مردم در تعیین سرنوشت امورات خود دارا است؛ موضوعی که به یکی از دلمشغولی‌های دولت‌های مختلف در کشورهای کمتر توسعه یافته تبدیل شده است. تشکیل احزاب سیاسی در ایران به بیش از صد سال اخیر می‌رسد و همواره به دلایل گوناگون دچار فراز و نشیب‌هایی بوده است. هرگاه احزاب سیاسی و مشارکت مردم در تصمیم‌گیری رشد پیدا کند توسعه سیاسی و نشاط سیاسی در کشور ملموس می‌باشد. نکته تاریک در توسعه سیاسی با تکیه بر گسترش و سازمان‌بندی احزاب این است که اکثر احزاب و تشکل‌های سیاسی در کشورمان در ایام انتخابات فعالیت می‌کنند و در سایر ایام غیرفعال می‌گردند و در همین راستای شخصیت‌های برجسته ملی و فرهنگ عشیره‌ای با نفوذ کلامی و جذابیت خود تأثیر بیشتری دارند تا احزاب. پژوهش حاضر به بررسی احزاب و نهادهای مدنی و تأثیر آن در نشاط سیاسی و اجتماعی مردم در چهار ساله اول دولت روحانی پرداخته است و وضعیت تشکل‌ها و انجمن‌های سیاسی با هرگونه سلايق سیاسی مختلف را در این دوران مورد بررسی قرار می‌دهد.

واژگان کلیدی: احزاب، نشاط سیاسی، نهادهای مدنی، دولت یازدهم

^۱ استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد لامرد

^۲ دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد لامرد (نویسنده مسئول) moslembamari@yahoo.com

مقدمه

احزاب و نهادهای مدنی بعنوان رابط میان دولت و ملت، بعنوان یکی از مهمترین ابزارهای توسعه سیاسی اجتماعی و بستر ساز مشارکت سیاسی بشمار می‌آیند. اگرچه واژه حزب به معنای دسته، گروه و قسمت از گذشته در ادبیات سیاسی وجود داشته است اما شکل‌گیری احزاب سیاسی به معنای نوین آن پیامد تحولات سیاسی در غرب بشمار می‌رود؛ موضوعی که سبب گردید تا برخی از پژوهشگران احزاب سیاسی را فرزند دموکراسی غرب بنامند. استقرار مشروطیت و تشکیل مجلس در ایران سبب گردید تا بتدریج در فضای سیاسی ایران انجمن‌های سیاسی و از زمان مجلس دوم مشروطه احزاب سیاسی بطور مشخص فعالیت خود را آغاز کنند. از آن مقطع تاکنون هزاران چندگانه‌ی احزاب سیاسی در ایران فعال گردیده و پس از اندک زمانی بهار فعالیت احزاب به خزان گرائیده است.

در همین راستا با روی کار آمدن دولت روحانی اندکی به احزاب توجه بیشتری شد یکی از مهمترین برنامه‌های دولت روحانی در دوره اول سیاست خارجی شکستن تحریم‌های ظالمانه و حل بحران هسته و تعامل سازنده با دنیا در حوزه سیاست خارجی و ایجاد آرامش سیاسی و ثبات اقتصادی در محیط داخلی بود. وی معتقد بود یکی از لازمه‌های ایجاد آرامش سیاسی در کشور فعال کردن احزاب سیاسی است و برای توسعه و نشاط سیاسی کشور همه گروه‌ها و سلايق سیاسی باید در محیطی آرام و آزادانه به رقابت و ارائه برنامه‌های خود بپردازند و دولت موانع پیشروی آنان را برطرف کند. جامعه در حال گذر ایران نیاز مبرمی به توسعه سیاسی و نشاط اجتماعی دارد و از آنجا که احزاب یکی از شاخص‌های اصلی توسعه می‌باشد به همین دلیل نیاز به شکوفایی و فعالیت بیش از گذشته دارد. بر این اساس ابتدا به بررسی تعریف احزاب، تاریخچه احزاب ایران، وضعیت احزاب فعال کشور، احزاب در دولت روحانی و تأثیر احزاب بر نشاط سیاسی در ایران می‌پردازیم.

تعریف احزاب سیاسی

تعاریف متعددی از جانب اندیشمندان علوم سیاسی درباره احزاب ذکر شده است که به برخی از آنها اشاره می‌گردد:

حزب به معنی تشکیلات سیاسی که بسیج و تشکل بخشی افراد جامعه را پیرامون یک برنامه سیاسی، یک جهان‌بینی و یا یک ایدئولوژی، موضوع فعالیت خود کرده باشد و بیانگر علائق و منافع گروه‌ها، طبقات و قشرها باشد. تعریف‌های گوناگونی از حزب سیاسی به عمل آمده که چند نمونه از آن ذکر می‌شود:

حزب سیاسی مرکب از گروهی از شهروندان کم و بیش سازمان یافته است که بعنوان یک واحد سیاسی عمل می‌کنند و با استفاده از حق رأی خود می‌خواهند بر حکومت تسلط پیدا کنند و سیاست‌های عمومی خود را عملی سازند (عالم، ۱۳۷۹: ۳۴۳). گروه سازمان یافته شهروندانی است که دارای نظریات سیاسی مشترک‌اند و با عمل به مثابه یک واحد سیاسی می‌کوشند بر حکومت تسلط یابند. هدف اصلی یک حزب این است که عقاید و سیاست‌های خود را در سطح سیاسی رواج دهد (همان، ۳۴۴).

«موریس دوورژه» اندیشمند فرانسوی بدون آنکه تعریف مشخصی از حزب ارائه کند به ویژگی، اهداف، تاریخچه، علل و نحوه پیدایش احزاب پرداخته و مطالعات مفصلی در این زمینه انجام داده است. از مجموعه نوشته‌های وی می‌توان به این تعریف از حزب رسید: «این سازمان‌ها (احزاب) گروه‌های بنیان-یافته، منظم و مرتبی هستند که برای مبارزه در راه قدرت ساخته شده‌اند و منافع و هدف‌های نیروهای اجتماعی گوناگون را بیان می‌کنند و خود به درستی وسیله عمل سیاسی آنان می‌باشند (دوورژه، ۱۳۵۴: ۱۵۳).

کارویژه‌های احزاب سیاسی

کارویژه‌ها و کارکردهای احزاب واقعی، همواره موجب ثبات سیاسی و امنیت در هر نظام سیاسی است. یکی از کلان‌ترین و بهترین نگرش به کارکرد احزاب، نگرش سیستماتیک ساختاری-کارکردی است این نگرش در دهه ۱۹۶۰ وارد علوم سیاسی شد و مدافعانی چون گابریل آلموند، جیمز کلمن و بیتگام پاول یافت. از این دیدگاه حزب به منزله یک فرد از سیستم اصلی نظام سیاسی و اجتماعی عمل می‌کند و با ایفای نقش جعبه سیاه دارای دروندادها و بروندادها و بازخور است. داده‌ها یا دروندادها، حاوی مجموعه اطلاعات و خواسته‌های انتقالی به درون حزب است و یافته‌ها و بروندادها عبارتند از کلیه تصمیم‌ها، مقررات، شعارها، موضع‌گیری‌ها، خواهش‌ها، جهت‌گیری‌ها، تاکتیک‌ها راهبردها و ... که از جعبه سیاه (حزب) خارج شده و در اختیار جامعه، دولت و سایر نهادهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی قرار می‌گیرد. بازخورد هم عبارت است از بازتاب آن دسته از یافته‌ها که دوباره به صورت داده‌ها وارد جعبه سیاه شده و به صورت یافته‌های جدید از آن بیرون می‌آیند که در این نقش تعبیر و تفسیر داده‌ها صورت می‌گیرد. بنابراین حزب ماشینی است که مسائل را از سطح جامعه جمع‌آوری کرده و پس از تحلیل و دسته‌بندی به نهادهای تصمیم‌گیری (دولت، مجلس و ...) عرضه می‌دارد (اخوان کاظمی، ۱۳۷۸: ۱۰۴-۱۰۳).

اینک به برخی از مهمترین کارکردهای احزاب سیاسی اشاره می‌شود:

- احزاب می‌توانند بعنوان ابزاری برای استخدام سیاسی و مجرای برای اعمال فشار از پائین به بالا عمل کنند؛

- احزاب فرصت‌هایی را برای تشکیل ائتلاف‌هایی از صاحبان منافع قدرتمند سیاسی به منظور حفظ و تداوم حکومت فراهم می‌کنند؛
- احزاب نقش بسیج‌کننده دارند، می‌توانند مردم را بسیج نمایند یا در پروژه‌های همیاری در سطح ملی شرکت کنند (کلایو اسمیت، ۱۳۸۰: ۳۰۶-۳۰۵).
- احزاب سیاسی بعنوان نهادهای ضروری برای حفظ ثبات سیاسی در نظر گرفته می‌شوند. هانتینگتن با الهام از دوتوکویل یادآور می‌شود، کل نظام سیاسی موقعی کارآمد است که از درجه بالای نهادینگی برخوردار باشد و معتقد است از آنجائیکه نیروهای جدید اجتماعی، که طی فرایند نوسازی به وجود آمده‌اند، خواهان مشارکت سیاسی در سطح گسترده هستند لذا ثبات جامعه در گرو جذب این سطح فزاینده از مشارکت سیاسی در سطح گسترده هست. احزاب می‌توانند به شکلی سازنده و مشروع بعنوان ابزارهای نهادی اصلی برای ساماندهی این مشارکت سیاسی عمل نمایند (بدیع، ۱۳۷۹: ۱۰۰-۹۴)؛
- برخورد و انتقاد از حکومت و سعی در جلوگیری از انحراف حکومت اکثریت از معیارهای ارزش و مصالح و منافع ملی با نظارت دائم؛
- بالا بردن ضریب صحت تصمیم‌گیری‌های سیاسی و سیاست‌گذاری‌های راهبردی و کاهش احتمال خطا با افزایش مشارکت و تضارب آراء در سطح نخبگان و عموم جامعه.

تاریخچه احزاب سیاسی در ایران

حزب به مفهوم جمعیتی سیاسی، در ایران همچون بسیاری از جوامع سابقه‌ای طولانی و تاریخی دارد. این تجمع‌های سیاسی گاه مانند سرداران و فدائیان اسماعیلی جنبه نظامی داشته و به صورت یک حزب یا تشکل سیاسی-نظامی فعالیت می‌کرده و گاه همچون اخوان الصفا سیاست را در کنار اندیشه و اصلاح اخلاقی و فلسفی پیشه می‌ساخته و به شکل یک تشکل سیاسی^۵ فرهنگی تبلور می‌یافته است (مدیرشانه‌چی، ۱۳۷۵؛ ۲۵). اما در واقع سابقه حزب سیاسی به شکل مشخص و در چارچوب تعاریف مرسوم و کنونی از احزاب، در ایران به ۱۰۰ سال می‌رسد و به دوره مشروطه باز می‌گردد. بطور کلی دوره‌های تحزب در تاریخ معاصر ایران را می‌توان به پنج دوره تقسیم کرد:

۱- دوره اول تحزب (۱۳۰۴-۱۲۸۵)

پس از پیروزی انقلاب مشروطه، دو تشکل که هر یک در جریان‌های سیاسی قبل از مشروطه ریشه داشتند پا به عرصه حیات گذاشتند که یکی، حزب اجتماعیون عامیون و دیگری اجتماعیون اعتدالیون بود. حزب

اجتماعیون عامیون شاخه حزب سوسیال دموکرات یا حزب همت قفقاز در ایران به شمار می‌رفت. مهمترین شاخه این حزب در تبریز پدید آمد. این حزب که مجاهد یا مجاهدین و اعضای آن فدائی خوانده می‌شدند، دارای یک کمیته سری کوچک بود که مرکز غیبی نام داشت. حزب اندکی بعد، کلمه اجتماعیون که به معنای سوسیالیسم بکار می‌رفت را از نام خود حذف و کلمه دموکرات را انتخاب کرد (مدنی، ۱۳۶۱: ۳۷-۳۱). دموکرات عامیون یک حزب رادیکال (تندرو) بود و اعضای آن را بیشتر، روشنفکران غرب‌زده تشکیل می‌داد. در نقطه مقابل حزب مذکور، حزب اجتماعیون اعتدالیون که از مشی محافظه‌کارانه (میان‌رو) پیروی می‌کرد، قرار داشت و در آن عناصر روحانی چون آیت‌اله سید محمدطباطبایی دیده می‌شدند. این دو حزب مهمترین شکل‌های تحول‌ساز حد فاصل مشروطه و سلطنت رضاخان بوده‌اند که با نام‌های مختلف و ائتلاف‌های گوناگون در مجلس اول تا پنجم، موثرترین نقش را ایفا کردند. به غیر از آن دو، احزاب کوچکتری نیز بوده‌اند که اغلب از طریق ائتلاف با این دو، به حیات خود ادامه دادند. در دوره رضاخان، به علت اعمال کنترل و نظارت دولت بر روحانیت، خوانین، سران عشایر، همه شخصیت‌ها و حرکت‌های مخالف، حتی رجال ملی اصلاح‌طلب از فعالیت سیاسی غیردولتی بازماندند و با سیطره دولت بر مجلس و مطبوعات نیز، زمینه تداوم و حضور احزاب از بین رفت. در این راستا حتی احزاب طرفدار شاه چون حزب رادیکال به رهبری داور، حزب ایران جوان به رهبری علی‌اکبر سیاسی و حزب ترقی به رهبری حسن تقی‌زاده نیز به علت بدبینی رضاشاه از هرگونه فعالیت حزبی باز ماندند (تربتی سنجابی، ۱۳۷۵: ۵۳).

۲- دوره دوم تحزب (۱۳۳۲-۱۳۲۰)

پس از یک دوره پانزده ساله رکود سیاسی و حزبی (دوره سلطنت رضاخان) و در پی اشغال ایران و سقوط رضاخان، دوره دوم تحزب آغاز شد. در این دوره سه گرایش مهم حزبی پررنگ‌تر از قبل، برپایه سه جریان فکری کمونیستی، ناسیونالیستی و اسلامی پدید آمدند. این سه جریان پایه و اساس فعالیت‌های حزبی پس از ۱۳۳۲ را نیز شکل می‌دهند:

۲-۱- **احزاب چپ و کمونیستی:** مهمترین حزب چپ این دوره، حزب توده بود. این حزب در سال ۱۳۲۰ از عناصر باقی مانده حزب کمونیست ایران، جناح چپ جنبش جنگل، گروه موسوم به ۵۳ نفر و ... تأسیس شد. حزب توده که خواهان استقرار یک حکومت کمونیستی در ایران بود، تا سال ۱۳۳۷ به صورت قانونی به فعالیت پرداخت. در آن سال به علت ترور نافرجام شاه، فعالیت‌های آن تعطیل گردید اما مصدق در دوره نخست وزیری خود به آن اجازه داد و همکاری آن را در دولت‌اش پذیرفت. پس از کودتای ۲۸ مرداد، حزب

توده سرکوب شد و عمال تا پیروزی انقلاب اسلامی سر بر نیاورد. البته سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران که در دهه ۵۰ به فعالیت‌های چریکی پرداخت، انشعابی از حزب توده به شمار می‌رفت (مدیرشانه‌چی، پیشین: ۵۵-۸۵).

۲-۲- احزاب ملی و ناسیونالیستی: جبهه ملی به رهبری مصدق، موثرترین و مشهورترین حزب ناسیونالیستی دهه ۲۰ و ۳۰ به شمار می‌آید.

۲-۳- شاخص‌ترین گروه مذهبی در دهه ۲۰: این گروه، جمعیت فدائیان اسلام بود که در سال ۱۳۲۴ از سوی سید مجتبی میرلوحی معروف به نواب صفوی، موجودیت خود را اعلام کرد. به استثنای گروه‌های سیاسی مذکور، گروه‌های مشهور دیگری چون حزب زحمت‌کشان مظهر بقایی، حزب ملت ایران داریوش فروهر، نهضت خدایپرستان سوسیالیست محمد نخشب و حزب دموکرات ایران احمد قوام به فعالیت‌های سیاسی اشتغال داشتند که به جزء حزب قوام، اغلب با ائتلاف با این یا آن حزب سیاسی، به حیات خود ادامه دادند.

۳- دوره سوم تحزب (۱۳۴۲-۱۳۳۹)

از سال ۱۳۳۹ تا ۱۳۴۲ به آن جهت دوره سوم تحزب نام گرفته است که در پی تأکید و فشار آمریکا، رژیم پهلوی برای بقای خود، فضای باز سیاسی نسبی جدیدی را در ایران گشود که حاصل آن، تولد و تداوم فعالیت‌های تازه سیاسی بود. با وزش نسیم آزادی‌های سیاسی در سال ۳۹، نیروهای سیاسی عمده دوره پیشین با همان نام یا نامی دیگر، دوباره پا به صحنه گذاشتند. جبهه ملی با نام جبهه ملی دوم، نیروی سوم با نام جامعه سوسیالیست‌های نهضت ملی ایران و حزب زحمتکشان با نام جمعیت پاسداران آزادی، هریک به شکلی احیا شدند (همان، ۸۸). در این دوره بخش مذهبی جبهه ملی را عناصر فعال در نهضت مقاومت ملی سال‌های اختناق تشکیل می‌دادند که پس از چندی با نام نهضت آزادی ایران در این دوره مستقل شکل گرفتند. بطورکلی، این دوره از حیات سیاسی احزاب نیز با آشتی شاه و دموکرات‌های آمریکا و سپس به قدرت رسیدن جانسون، حذف امینی و روی کار آمدن نخست وزیر وابسته‌ای چون علم، انتقال رهبری اصلاحات از امینی به شاه، مخالفت با اصلاحات فرمایشی و قیام ۱۵ خرداد و سرانجام سرکوب قیام و استقرار دوباره اختناق و برچیده شدن دوباره بساط احزاب و نیروهای سیاسی گوناگون پایان می‌یابد.

۴- دوره چهارم تحزب (۱۳۶۰-۱۳۵۷)

این دوره با دوره‌های پیشین تفاوت‌های بارزی دارد. نخست آنکه این دوره با تحولی در ساختار سیاسی کشور همراه است و علاوه بر تجدید حیات نیروهای سیاسی پیشین، احزاب و گروه‌های سیاسی جدیدی پا به میدان

گذاشتند. دوم آنکه در این دوره برای نخستین بار روحانیت نیز از تشکیلات سیاسی رسمی عمده‌ای برخوردار می‌شود. جناح انقلابی طرفداران رهبری در حزب جمهوری اسلامی و جناح محافظه‌کار هواداران آیت‌اله شریعتمداری در حزب جمهوری خلق مسلمان متشکل می‌شوند. بطور خلاصه در این دوره تقریباً همه تمایلات و تفکرات سیاسی قدیم و جدید، غیر از تشکلات سلطنت‌طلب در قالب احزاب و گروه‌های سیاسی به فعالیت پرداختند (هرسیج، ۱۳۸۰: ۱۶).

۵- دوره پنجم تحزب (خرداد ۱۳۶۷ تاکنون)

دوره پنجم که دوره رونق مجدد فعالیت‌های حزبی است مربوط به دوران ریاست جمهوری آقای خاتمی از خرداد ماه سال ۱۳۶۷ تاکنون می‌باشد. در این دوره، تقویت نهادهای مدنی و از جمله احزاب سیاسی در رأس برنامه‌های رئیس‌جمهور برای نیل به توسعه سیاسی قرار گرفت و علاوه بر احزاب و گروه‌های قبلی، احزاب و سازمان‌های سیاسی جدیدی مانند حزب مشارکت ایران اسلامی و حزب همبستگی ایران اسلامی، شروع به فعالیت نمودند (مرتجی، ۱۳۷۸: ۲۷). در این دوره پس از گذشت دو دهه از تثبیت انقلاب تعدیلاتی هم در مواضع مخالفین نظام و هم در نظرات نخبگان سیاسی حاکم خصوصاً پس از روی کار آمدن خاتمی پدید آمد که براساس آن هم توان سیستم برای تحمل مخالفین افزایش یافت و هم مخالفین دریافتند که برای ادامه حیات سیاسی تشکیلات خود و حل اختلافات و تنش‌ها باید از سیاست‌های براندازانه دست بردارند و مخالفت‌های خود را در چارچوب قانون اساسی بعنوان میثاق ملی شکل دهند. این تلقی جدید از سوی مخالفین و نخبگان حاکم موجب تقویت فعالیت‌های حزبی گردید (هرسیج، پیشین: ۲۰).

وضعیت احزاب سیاسی فعال کشور

در حال حاضر احزاب سیاسی در ایران برگرفته از سه جریان سیاسی اصلاح‌طلبان، اصول‌گرایان و اعتدال‌گرایان است؛ در همین راستا به مهمترین احزاب فعال جریانات سیاسی فوق‌الذکر اشاره می‌گردد:

۱- احزاب سیاسی اصلاح‌طلبان

۱-۱- مردم‌سالاری

حزب مردم‌سالاری به دنبال پیروزی محمد خاتمی در دوم خرداد ۱۳۷۶ با تلاش جمعی از فعالان اصلاح‌طلب و به منظور حمایت از گفتمان اصلاح‌طلبی در سال ۱۳۷۷ ابتدا در شهرهای استان سمنان شکل گرفت و پس از تصویب اساسنامه آن در تاریخ ۱۳۸۷/۰۷/۰۳ در کمیسیون ماده ۱۰ قانون احزاب، پروانه آن در دهم آبان

۱۳۷۸ به نام حزب مدافعین پیام دوم خرداد صادر شد. در پی برگزاری اولین کنگره در دوم خرداد ۱۳۸۱ این حزب به نام حزب مردم‌سالاری تغییر نام یافت و اصلاحات اساسنامه آن در مورخ ۱۳۸۱/۰۶/۰۴ به تصویب کمیسیون ماده ۱۰ قانون احزاب رسید. حزب مردم‌سالاری فعالیت خود را عملاً پس از ۱۸ خرداد ۱۳۸۰ و به دنبال راه‌اندازی روزنامه مردم‌سالاری در نیمه دوم سال ۱۳۸۰ شروع کرده است. دست‌اندرکاران حزب مردم‌سالاری مدعی هستند که: "این حزب به معنای واقعی کلمه از پایین به بالا شکل گرفته است و هرگز هیچ مقام دولتی یا حکومتی در تأسیس آن نقشی نداشته است و خوشبختانه تاکنون وامدار هیچ نهاد و موسسه یا به اصطلاح شخصیت حقیقی یا حقوقی نشده و با هویتی مستقل به صورت خودجوش از متن عموم مردم برخاسته است." این جریان سیاسی توسط مصطفی کواکبیان اداره می‌شود. ارگان مطبوعاتی این حزب روزنامه مردم‌سالاری است. اسامی اعضای شورای مرکزی به شرح زیر است: مصطفی کواکبیان، محمد پازوکی، ابوالقاسم کواکبیان، امین عباسی، شهباز علیزاده، فرهاد عبدالعلی‌پور، ولی درویشی، جواد شرف‌خانی، ایرج رضایی، میلاد محمدی و ... (www.wikipedia.ir).

۲-۱- اعتماد ملی

یکی از احزاب اصلاح‌طلب فعال در جمهوری اسلامی ایران است. این حزب توسط مهدی کروبی پس از شکست وی در انتخابات ریاست جمهوری ایران (۱۳۸۴) و کناره‌گیری او از دبیرکلی مجمع روحانیون مبارز تأسیس شد. به گفته مهدی کروبی، تقلب در انتخابات ریاست جمهوری ایران (۱۳۸۴) موجب حذف وی شد. طبق اظهارنظر سران حزب اعتماد ملی، این حزب، موافق برقراری رابطه با آمریکا است. پس از حصر مهدی کروبی، رسول منتخب‌نیا بعنوان قائم‌مقام او، مسئولیت اداره حزب را برعهده دارد. مسعود سلطانی‌فر، وزیر ورزش و جوانان و سید کامل تقوی‌نژاد رئیس سازمان امور مالیاتی کشور، نوروززاده مدیرعامل شستا، الیاس حضرتی و احمد مازنی نمایندگان فعلی مجلس شورای اسلامی از شاخص‌ترین اعضای این حزب هستند (Ibid).

۳-۱- مجمع روحانیون مبارز

مجمع روحانیون مبارز، از تشکلهای مطرح سیاسی مذهبی در ایران است که از گروه‌های اصلاح‌طلب و چپ‌گرای مذهبی به شمار می‌رود. رهبری آن را از ابتدا تا سال ۱۳۸۸ مهدی کروبی برعهده داشت. ۱۳۸۰ محمد خاتمی رئیس شورای مرکزی این تشکل است و محمد موسوی خوئینی‌ها دبیرکلی آن را برعهده دارد. انشعاب از جامعه روحانیت با تأیید کتبی سید روح‌اله خمینی صورت گرفت و این تشکل پیروزی گسترده‌ای در انتخابات مجلس سوم داشت. حذف محمود دعایی و فخرالدین حجازی از فهرست انتخاباتی

جامعه روحانیت مبارز برای انتخابات مجلس سوم یکی از عواملی بود که زمینه‌ساز انشعاب روحانیون چپ‌گرای طرفدار دولت موسوی در جامعه روحانیت مبارز شد. مهدی کروبی که رهبری جریان اقلیت را برعهده داشت آن را به این معنا گرفته بود که جامعه روحانیت از مسیر اصلی خود که حمایت از انقلاب و انقلابیون اصیل است دست برداشته و کسانی را که سابقه چندانی در انقلاب ندارند، برکسانی که کاملاً سابقه دارند ترجیح می‌دهد.

۲- احزاب سیاسی اصول‌گرایان

۲-۱- جامعه روحانیت مبارز

با شکست قیام پانزده خرداد ۱۳۴۲، به این موضوع پی برده شد که علت شکست، عدم وجود تشکیلاتی منسجم بوده است. در سال ۱۳۵۶ خورشیدی، به تأکید سید روح‌اله خمینی و با حمایت از مرتضی مطهری، نخستین هسته جامعه روحانیت شکل گرفت و اساسنامه آن هم در سال ۱۳۵۷ خورشیدی تدوین شد. برنامه‌ریزی راهپیمایی‌ها، سخنرانی در مساجد، تهیه شعارها و هماهنگی و سازماندهی مبارزه ضدحکومت پهلوی عمدتاً برعهده جامعه روحانیت مبارز بود. در آذر ۱۳۵۸ خورشیدی به توصیه سید روح‌اله خمینی اساسنامه جدیدی تنظیم و بسیاری از بندهای اساسنامه پیشین حذف شد و نام آن به جامعه روحانیت مبارز تهران تغییر یافت. آخرین تغییر در این اساسنامه مربوط به ۲۹ مرداد ۱۳۵۷ است که نام جامعه را به جامعه روحانیت مبارز استان تهران تغییر دادند. پس از انقلاب ۱۳۵۷، جامعه روحانیت مبارز به یکی از تشکل‌های سیاسی بانفوذ در ایران تبدیل شد بطوریکه کاندیداهای مورد حمایت این تشکل تا سال ۱۳۷۶ خورشیدی در شش دوره از انتخابات‌های ریاست‌جمهوری ایران پیروز شدند. در سال ۱۳۶۶ افزایش اختلافات درون‌گروهی باعث شد تا انشعابی تاریخ‌ساز در این تشکل انجام شود که تا سال‌ها صحنه سیاست ایران را تحت تأثیر خود داشت. گروهی از اعضای جامعه روحانیت مبارز با اجازه و تأیید روح‌اله خمینی، از آن خارج شده و مجمع روحانیون مبارز را تأسیس کردند. در نیمه دوم دهه ۱۳۶۰ خورشیدی، روحانیت و روحانیون، معرف دو جناح راست و چپ در سپهر سیاسی ایران بودند و سایر گروه‌های سیاسی فعال در داخل نظام متحد یکی از این دو محسوب می‌شدند.

موسسین و اعضای شورای مرکزی جامعه روحانیت مبارز در ابتدای انقلاب عبارت بودند از: سید محمد بهشتی، مرتضی مطهری، محمدجواد باهنر، محمدرضا مهدوی‌کنی، محمد مفتاح، مهدی شاه‌آبادی، فضل‌اله

محللاتی، ملکی، خسروشاهی، عباسعلی عمید زنجانی، عرفانی، محمدعلی موحدی کرمانی، سیدمحسن هزوه‌ای همدانی، علی‌اکبر ناطق نوری، مهدی کروی و سید محمد موسوی خوئینی‌ها.

در انتخابات ریاست‌جمهوری ایران (۱۳۹۲) این گروه نتوانستند به انتخاب واحدی از میان نامزدهای معرفی شده برسند و در نتیجه با تقسیم‌بندی‌های داخل حزبی، اعضا به نامزدهای مختلف رأی دادند.

برپایه اساسنامه جامعه روحانیت مبارز، اهداف این جامعه چنین عنوان شده است:

الف) سازماندهی روحانیت شیعه، رشد و اعتلاء آن؛

ب) تحکیم مبانی انقلاب اسلامی و دفاع همه‌جانبه از دستاوردهای آن و تقویت نظام جمهوری اسلامی؛

ج) حمایت همه‌جانبه از اندیشه فرهنگی سیاسی حضرت امام (ره) و اصل مترقی ولایت فقیه؛

د) گسترش فضایل اخلاقی در جامعه اسلامی؛

ه) ارشاد قشرها مختلف مردم و گروه‌های فعال سیاسی، اجتماعی از طریق تبیین وظایف شرعی؛

و) نظارت بر عملکرد مسئولین نظام و نقد دلسوزانه آنان در جهت تحقق اصل‌النصیحه لائمہ المسلمین؛

ز) ارتباط با روحانیت سایر مذاهب اسلامی و همکاری با کلیه مراکز اسلامی در جهت تحقق اهداف دینی؛

ح) تعامل مثبت و سازنده با ادیان الهی در جهت کاهش آلام جهانی و تحقق صلح؛

ط) تأسیس مؤسسات عام‌المنفعه.

۲-۲- مولفه اسلامی

حزب مولفه اسلامی (نام‌های پیشین: جمعیت مولفه اسلامی و هیأت‌های مولفه اسلامی) یک حزب سیاسی-مذهبی مهم و سابقه‌دار در ایران است که در سال ۱۳۴۲ از ائتلاف ۳ هیأت مذهبی، هیأت مسجد امین‌الدوله، هیأت مسجد شیخ‌علی و هیأت اصفهانی‌ها پیرو سید روح‌اله خمینی در منزل وی شکل گرفت. این تشکل که به جناح راست و اصول‌گرایان سنتی تعلق دارد، قشر بازاری‌های مذهبی را نمایندگی می‌کند. این حزب همچنین در امور خیریه و تأسیس نهادهایی نظیر مدرسه اسلامی و صندوق قرض‌الحسنه فعال بوده است. هیأت‌های مولفه در زمان ایجاد به شدت تحت تأثیر اندیشه‌های سید روح‌اله خمینی بودند و نقش برجسته‌ای در قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ و ترور حسنعلی منصور ایفا کردند و با شرکت در انقلاب اسلامی ایران، بدنه مذهبی سنتی جامعه را علیه حکومت پهلوی بسیج کردند. پس از پیروزی انقلاب و تشکیل نظام جمهوری اسلامی، به سازمان‌یافته‌ترین و منسجم‌ترین نیروی سیاسی جناح راست بدل شدند و پرنفوذترین جناح در حزب جمهوری اسلامی بودند. و دستکم تا پایان دهه نخست انقلاب این جایگاه را حفظ نمودند. در سال

۱۳۶۶ و با انحلال حزب جمهوری اسلامی بعنوان یک حزب مستقل عمل کرد. در حال حاضر حزب موقوفه اقدام به نسل‌سازی از میان نیروهای جوان و مستعد در عرصه سیاسی ایران می‌کند. از افراد سرشناس این حزب می‌توان به مرتضی مطهری، سید محمد بهشتی، محمدعلی رجایی، سید علی اندرزگو، محمدجواد باهنر، حبیب‌اله عسگراولادی، حسن عباس‌پور، اسداله بادامچیان، محمدنبی حبیبی، علاءالدین میرمحمدصادقی، سید مصطفی میرسلیم، جعفر شجونی، حسن غفوری‌فرد، محسن رفیق‌دوست نام برد.

۳-۲- جامعه اسلامی مهندسیین

جامعه اسلامی مهندسیین، در بهمن ماه ۱۳۶۶ با حضور پنج عضو، که همگی از اعضای شاخه مهندسیین حزب جمهوری اسلامی بودند، پایه‌گذاری شد؛ پس از گذشت چند سال با گسترش فعالیت تشکیلاتی، تعداد اعضای این حزب افزایش یافت و در ۸ خرداد ۱۳۷۰ از وزارت کشور مجوز فعالیت گرفت. جامعه اسلامی مهندسیین از زیرمجموعه‌های جبهه پیروان خط امام و رهبری محسوب شده و محمدرضا باهنر بعنوان دبیرکل آن شناخته می‌شود، همچنین از جمله چهره‌های شاخصی که به عضویت این حزب درآمدند می‌توان به محمود احمدی‌نژاد رئیس‌جمهور پیشین اشاره کرد. این حزب توانست افرادی چون محمدرضا باهنر، سیدمرتضی نبوی، غلامحسین امیری، محمد ناظمی اردکانی، داوود دانش‌جعفری، حسن غفوری‌فرد، حمیدرضا کاتوزیان، اتابک جعفری، حمیدرضا پولادگر، مهدی مفتاح، بهادر ولی‌زاده، محسن یحیوی، احمد نیک‌فر، جبار کوچکی‌نژاد، صاحب‌حجتی، مهدی اسماعیلی، غلامحسین نجابت، فلسفی، بنکداری و بحرینی را به مجلس هشتم بفرستد.

۳-۳- احزاب سیاسی اعتدال‌گرایان

۳-۱- حزب اعتدال و توسعه

بنیانگذاران حزب اعتدال و توسعه با درک موقعیت حساس ایران در جهان و با هدف تجمع متخصصین و امکانات کشوری به منظور ارتقاء درجه اهمیت، قدرت و ثروت ایران در منطقه و جهان و بدور از بلوک‌بندی‌های راست و چپ، بنیان این شکل سیاسی را نهادند. مهمترین بنیانگذاران حزب اعتدال و توسعه عبارتند از: محمدباقر نوبخت، محمدرضا نعمت‌زاده، اکبر ترکان، فاطمه هاشمی رفسنجانی، محمود واعظی، سید حسین موسویان، محمود محمدی، سید احمد زرهانی، مرتضی محمدخان، مجید قاسمی، صلاح‌الدین دلشاد، محمد حسن تولایی و زهرا پیشگاهی‌فرد.

چهره‌های مذکور پاییز سال ۱۳۷۸ پس از دیدار با آیت‌اله اکبر هاشمی رفسنجانی و مشورت با وی بر عملی کردن تصمیم‌شان جدی‌تر شدند. رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام در این دیدار گفته بود: «اداره کشور با یک جناح فاجعه است و در عوض همه نیروهای معتدل در دو جناح باید متحد شوند تا توسعه سیاسی- اقتصادی را به پیش برند و ستون‌های نظام را تقویت کنند.» به گفته سید حسین موسویان از بنیان‌گذاران حزب اعتدال و توسعه طبق توصیه رفسنجانی، بهترین گزینه برای رهبری حزب، حسن روحانی بود. هاشمی این سخنان را در دوره‌ای ابراز کرد که از یک‌سو حزب کارگزاران سازندگی، دوران افول خود را طی می‌کرد و از سوی دیگر میدان، تندروها در روزنامه‌هایشان، شدیدترین حملات را علیه هاشمی رفسنجانی صورت می‌دادند. حضور فاطمه هاشمی رفسنجانی در شورای مرکزی حزب، خود گویای میزان اعتقاد هاشمی به تأسیس چنین حزبی بود. بنیانگذاران حزب، پس از مشورت با هاشمی با حسن روحانی هم مشورت کردند و وی از این تصمیم بسیار استقبال کرد. در نهایت در آستانه برگزاری انتخابات مجلس شورای اسلامی (۱۳۷۸-۷۹)، این حزب رسماً تشکیل و محمدباقر نوبخت بعنوان دبیرکل آن انتخاب شد. حسن روحانی از همان ابتدای تشکیل حزب در بیشتر جلسات شورای مرکزی شرکت می‌کرد. در اولین کنگره حزب که بهمن ماه سال ۱۳۸۲ برگزار شد، کاظم جلالی (نماینده شاهرود)، حمیدرضا حاجی‌بابایی (نماینده همدان)، مرتضی بانک، غلامعلی دهقان و حمید رضایی قلعه به عضویت شورای مرکزی درآمدند. البته، کاظم جلالی و حمیدرضا حاجی‌بابایی پس از کمتر از ۴ سال از حزب کناره‌گیری کردند.

۲-۳- کارگزاران سازندگی

حزب کارگزاران سازندگی معروف به جناح راست مدرن یک حزب انشعاب یافته از جناح راست است که توسط ۱۶ نفر از اعضای هیأت دولت اکبر هاشمی رفسنجانی، در آذر ۱۳۷۴ خورشیدی آغاز به کار کرد. سنگ بنای حزب کارگزاران درست در مقطعی گذاشته شد که یک سال از عمر دولت دوم رفسنجانی باقی مانده بود. کارگزاران نخستین حزب سیاسی در ایران بود که در درون دولت شکل گرفت. هسته اصلی حزب کارگزاران سازندگی را نیروهای سیاسی پرنفوذ دولت آیت‌اله هاشمی تشکیل می‌دهند.

این حزب دستیابی به فضای باز اقتصادی و توسعه پایدار اقتصادی را بعنوان زمینه‌ساز رسیدن به آزادی‌های سیاسی و اجتماعی می‌داند. در هنگام تأسیس این حزب، شعار رسمی حزب: «عزت اسلامی، تداوم سازندگی، آبادانی ایران» بیان شد. روزنامه کارگزاران تریبون رسمی این حزب بود. این روزنامه در ۱۱ دی ۱۳۸۷ به دلیل انتشار بیانیه دفتر تحکیم وحدت پیرامون جنگ غزه که به جزء اسرائیل، حماس را به علت سوء استفاده از غیرنظامیان و حکومت ایران را بخاطر تجهیز حماس محکوم کرده بود، توسط هیأت نظارت بر مطبوعات

توقیف شد. قرار بود انتشار این روزنامه با سازوکار جدید مجدداً از سال ۹۳ آغاز شود. در حال حاضر اعضاء هیأت موسس این حزب غلامحسین کرباسچی، محمد هاشمی، حسین مرعشی، عطاله مهاجرانی، مصطفی هاشمی طباطبائی و ... می‌باشند.

احزاب و تشکل‌های مردم‌نهاد در دولت یازدهم

یکی از بارزترین خصوصیات نظام‌های دموکراتیک ارتباط مستمر با مردم، شناسایی نیازها و تصمیم‌گیری براساس مطالبات مردمی می‌باشد. حزب بعنوان نهادهای قانونی غیرحکومتی که در عرصه‌های سیاسی به فعالیت می‌پردازند و یکی از اهداف اساسی آنها جلب مشارکت همگانی مردم می‌باشد و حلقه‌های واسط میان مردم و حکومت هستند. دولت یازدهم در ابتدای شروع بکار، شعار فضای باز سیاسی با تأکید بر شکوفایی احزاب را عنوان نمود، و در همین راستا خانه احزاب ایران را تشکیل داد و همه جریان‌های سیاسی موجود در کشور در فضای آرام و رقابتی مشغول به فعالیت نمودند.

ما اگر می‌خواهیم در مسائل سیاسی و اجتماعی به اهدافمان برسیم اول باید افراد مختلف را به رسمیت بشناسیم. وقتی در کشور ما برخی از افکار به رسمیت شناخته نمی‌شود و نمی‌گذاریم احزاب و گروه‌ها مساوی هم با امکانات هم به صورت عادلانه فعالیت کنند مسلماً احزاب و گروه‌ها از حقوق مساوی برخوردار نمی‌شوند (روحانی، ۱۳۹۶). در حال حاضر حدود ۲۵۴ حزب در کشور داریم که بالغ بر ۵۰ مورد آنها فعال هستند و مابقی فقط زمان انتخابات فعالیت می‌کنند. دولت یازدهم که سرکار آمد؛ اولین شعاری که داشت فعالیت دوباره خانه احزاب بود (خبرگزاری فارس، ۱۳۹۶). در ادامه مباحث، مهمترین فعالیت‌های دولت روحانی درباره احزاب سیاسی و سازمان‌های مردم‌نهاد را ذکر می‌نمائیم:

(الف) شروع فعالیت رسمی خانه احزاب؛

(ب) صدور مجوز تأسیس برای ۱۰۴، صدور پروانه برای ۵۸ و تمدید پروانه برای ۲۳۳ انجمن صنفی؛

(ج) صدور مجوز تأسیس ۳۳ مورد و صدور پروانه فعالیت تشکل‌های سیاسی به تعداد ۲۰ مورد؛

(د) تهیه پیش‌نویس قانون نحوه فعالیت تشکل‌های صنفی و تخصصی؛

(ه) اهتمام به تهیه لوایح ضروری باقی مانده مانند لایحه برگزاری اجتماعات و راهپیمایی‌ها؛

(و) ارتقاء کمی و کیفی مشارکت عمومی از طریق احزاب و سازمان‌های مردم‌نهاد؛

ز) برگزاری تعداد ۱۷۸۸ همایش و گردهمایی سیاسی و تبلیغاتی بزرگ در زمان قانونی انتخابات دوازدهمین دوره ریاست جمهوری به وسیله احزاب و تشکل‌های سیاسی سراسر کشور با حضور جریان‌های مختلف سیاسی در کمال آرامش و نشاط سیاسی برگزار گردید و از بروز هرگونه مشکل امنیتی و بی‌نظمی پیشگیری شد.

نقش احزاب در نشاط سیاسی و شکوفایی کشور

احزاب قادرند با ایجاد کانال‌های ارتباطی، میان گروه‌های غیرمرتبط و احیاناً متخاصم و وارد کردن آنها در مجموعه‌ای از روابط متقابل و به هم پیوسته (کاری که از دست دولت‌ها بر نمی‌آید) از هم‌گسیختگی اجتماعی را کاهش داده و بدین طریق یکپارچگی ملی را تضمین کنند. در کل ترکیب گروه‌بندی‌های عمودی و افقی متفرق و احیاناً متخاصم، مأموریت حساسی است که عمدتاً از عهده احزاب بر می‌آید. احزاب همچنین می‌توانند بعنوان ابزاری نهادی، در پر کردن شکاف بین شهر و روستا عمل کنند و سرانجام اینکه در دو بعد می‌توانند به ایجاد انسجام و وحدت ملی کمک نمایند: اول با عرضه نهادها و آرمان‌هایی که برای کل مردم یک جامعه ارزش و جذابیت داشته باشد و آنها را به دور یک محور گرد آورده و وحدت ببخشد. دوم کمک به یافتن و ایجاد آن ترتیبات نهادی که مذاکره و کانال‌های ارتباطی نامحدود را تشویق کرده و از این طریق، رهبران سیاسی و نمایندگان منافع متفاوت را بر سر جای خود نگه دارند و روند تجمع و بیان منافع متضاد را تسهیل کنند. همین احزاب، با نفوذ در سطوح مختلف محلی و منطقه‌ای و پذیرش اقلیت‌های قومی و نخبگان مخالف، امکان ایجاد رضایت‌مندی برای گروه‌های مختلف و همچنین ایجاد فرصت‌هایی برای حل مجادلات در پایین‌ترین سطح سیستم را فراهم می‌کنند. هر قدر که مجادلات در سطح محلی و واحدهای محلی حزب حل شود، میزان باری که برای حل مجادلات به حزب ملی و حکومت ملی وارد می‌شود، کاهش می‌یابد. ثبات هر جامعه سیاسی به رابطه سطح مشارکت سیاسی با سطح نهادمندی سیاسی آن جامعه بستگی دارد. در صورتی ثبات سیاسی جامعه حفظ می‌شود که به موازات افزایش مشارکت سیاسی، پیچیدگی، تطبیق‌پذیری و انسجام نهادهای سیاسی جامعه نیز فزونی گیرد. در واقع این احزاب هستند که به مهمترین ویژگی سیاسی یعنی مشارکت، می‌پردازند.

فضای آرام سیاسی کشور در طول دوره چهار ساله اول دولت روحانی سبب گردید که سلیق سیاسی با گرایش‌های مختلف در محیطی امن و رقابتی به ارائه برنامه‌ها و رویکردهای خود بپردازند؛ در همین راستای شاهد شکوفایی احزاب و نوعی نشاط سیاسی به منظور افزایش بینش و آگاهی‌های سیاسی و اجتماعی در کشور بودیم که ماحصل آن مشارکت ۷۳ درصدی مردم در انتخابات دوازدهمین دوره ریاست جمهوری بود.

به اذعان اکثر شخصیت‌های برجسته کشور از طیف‌های گوناگون در حال حاضر نوعی نشاط و شادابی در جامعه احساس می‌شود و فضای مسالمت‌آمیز برای فعالیت احزاب و تشکل‌های سیاسی فراهم است. اگرچه احزاب و انجمن‌های مردم نهاد در کشور ما تاکنون با کشورهای توسعه‌یافته و با اهداف خود فاصله دارند اما در این دوران به احزاب سیاسی توجه بیشتری شد و بگونه‌ای درب خانه احزاب که در دوران قبل قفل بود بازگشایی گردید.

مشکلات احزاب سیاسی در ایران کنونی

فعالیت‌های احزاب و انجمن‌های مردم نهاد در ایران همواره دچار فرازونشیب‌هایی بوده‌اند و به خوبی بیانگر توفیق نیافتن این پدیده سیاسی در گذشته و حال است. در همین راستا، نگارنده به برخی از مشکلات احزاب در زمان حال اشاره می‌نماید.

۱) فعالیت کوتاه‌مدت و فصلی احزاب: در دوره‌های مختلف فعالیت احزاب و به خصوص زمان حال همواره شاهد آن هستیم که احزاب به صورت فصلی و کوتاه‌مدت تأسیس می‌شوند و به یکباره منحل می‌گردند و به دنبال منابع فردی بودند تا منافع جمعی.

۲) احزاب بیشتر شخصیت‌محور هستند: مردم به جای اینکه از احزاب برنامه و راهکارهایی جهت پیشبرد اهداف خود داشته باشند تحت تأثیر شخصیت افراد قرار گرفته و ملاک عمل آنها شخصیت فردی می‌باشد تا برنامه‌ها و رویکردها.

۳) دوقطبی بودن احزاب: در جمهوری اسلامی ایران از اواسط دهه هفتاد تاکنون بیشتر جریان‌های سیاسی وابسته به دو گروه سیاسی اصلاح‌طلب و اصول‌گرا می‌باشند که این امر باعث ایجاد فضای دوقطبی شدن در کشور شده است و اگر جریان سیاسی و یا حزبی دیگری تشکیل شود برنامه‌ها و راهبردهای آن به نوعی به یکی از دو جریان مذکور بر می‌گردد اگرچه در ظاهر جریان سیاسی جدید دارای رویکرد مستقلی می‌باشد اما در عمل اینگونه نیست.

۴) تقدم فرهنگ عشیره‌ای و قومیتی به جای احزاب و تشکل‌های سیاسی: در بسیاری از مناطق کشور بالاخص شهرهای مرزی و دور از مرکز، مردم هنوز از رابطه‌های خویشاوندسالاری و قومیتی استفاده می‌کنند و منافع قومیت در اولویت می‌باشد و احزاب سیاسی به منظور پیشبرد اهداف و برنامه‌های خود بدون پشتوانه هستند.

۵) احزاب فرمایشی و وابسته به دولت: بسیاری از احزاب ایران در گذشته و حال، دستوری و دولت‌ساخته‌اند و فرآیند تشکیل آنها از بالا به پایین بوده است این احزاب به دلیل خودجوش نبودن، نداشتن پایگاه‌های مستقل، موجبات بدبینی و بی‌اعتمادی بیشتر مردم را به احزاب فراهم ساخته‌اند.

۶) وجود احزاب سیاسی با مدیریت افراد غیرمرتبط: با عنایت به اینکه یکی از کارویژه‌های اصلی احزاب، آموزش و آگاهی بخشیدن مردم است در سال‌های اخیر شاهد شکل‌گیری احزاب سیاسی از طیف‌های مختلف از جمله، مهندسان، پزشکان، کشاورزان، کارگران و ... بوده‌ایم که در عمل شناخت آنچنانی نسبت به فعالیت‌ها و کارویژه‌های احزاب ندارند. این امر بی‌اعتمادی در مردم نسبت به احزاب ایجاد کرده است.

نتیجه‌گیری

توسعه احزاب و سازمان‌های مردم‌نهاد تأثیر فراوانی در نشاط و شادابی سیاسی فضای جامعه دارد، در همین راستا امروز احزاب یکی از ضروریات زندگی جوامع بشری در دوره مدرن محسوب می‌شود بطوریکه یکی از موثرترین نهادهای تأثیرگذار بر روندهای تصمیم‌گیری و اجرایی کشور محسوب می‌شوند. در نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران شاهد پیدایش احزاب و گروه‌های سیاسی مختلف با آرمان و عقاید گوناگون بعد از پیروزی انقلاب اسلامی بودیم لیکن با گذشت چهار دهه از پیروزی انقلاب اسلامی هنوز احزاب سیاسی به معنای واقعی کلمه نهادینه نشده‌اند بطوریکه در دولت‌های مختلف احزاب دچار فراز و فرودهایی بودند.

وجود احزاب سیاسی در جامعه یک نیاز ضروری و اساسی تلقی می‌گردد و پل ارتباطی بین مردم و حکومت می‌باشند، دلیل اینکه جامعه نیاز به حزب دارد این است که امروزه خواسته‌های گروه‌ها و اقشار متفاوت شده است و درک‌شان از نیازهای طبقاتی‌شان افزایش پیدا کرده است دولت نیز احساس می‌کند که بدون حزب قابلیت تداوم ندارد. از آنجا که یکی از شاخصه‌های اصلی احزاب کارویژه انتخابات است و شاخصه‌های دیگر به فراموشی رفتند در کشور ما بیشتر فعالیت‌های احزاب به صورت فصلی و در ایام منتهی به انتخابات بیشتر نمود پیدا می‌کند. فعالیت‌های احزاب و انجمن‌های مردم‌نهاد در ایران همواره دچار فرازونشیب‌هایی بوده‌اند و به خوبی بیانگر توفیق نیافتن این پدیده سیاسی در گذشته و حال است فضای آرام سیاسی کشور در طول دوره چهار ساله اول دولت روحانی سبب گردید که سلايق سیاسی با گرایش‌های مختلف در محیطی امن و رقابتی به ارائه برنامه‌ها و رویکردهای خود بپردازند؛ در همین راستا شاهد شکوفایی احزاب و نوعی نشاط سیاسی به منظور افزایش بینش و آگاهی‌های سیاسی و اجتماعی در کشور بودیم که ماحصل آن مشارکت ۷۳ درصدی مردم در انتخابات دوازدهمین دوره ریاست جمهوری بود. به اذعان اکثر شخصیت‌های برجسته کشور از طیف‌های گوناگون در حال حاضر نوعی نشاط و شادابی در جامعه احساس می‌شود و فضای مسالمت‌آمیز برای فعالیت احزاب و تشکل‌های سیاسی فراهم است. نگارنده معتقد است که برای هرگونه تغییر

و تحول در جهت پیشبرد احزاب سیاسی می‌بایست از حوزه فرهنگ اقدام نمود و تغییر در فرهنگ سیاسی نقطه عزیمت هرگونه تغییر در عرصه احزاب و سازمان‌های مردم نهاد است.

فهرست منابع

- ۱- اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۷۸)، «احزاب، ثبات سیاسی و امنیت ملی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، ش ۴.
- ۲- بدیع، برتران (۱۳۷۹)، توسعه سیاسی، مترجم: احمد نقیب‌زاده، تهران: نشر قومس.
- ۳- تربتی سنجابی، محمود (۱۳۷۵)، قربانیان باور و احزاب سیاسی، تهران: نشر آسیا.
- ۴- خبرگزاری فارس (۱۳۹۶)، شناسه خبر: ۴۰۳۴۹۸۴.
- ۵- دوورژه، موریس (۱۳۵۴)، اصول علم سیاست، مترجم: ابوالفضل قاضی، تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.
- ۶- روحانی، حسن (۱۳۹۶)، مناظره انتخاباتی ریاست جمهوری.
- ۷- عالم، عبدالرحمان (۱۳۷۹)، بنیادهای علم سیاست، تهران: نشر نی.
- ۸- کلایو اسمیت، برایان (۱۳۸۰)، فهم سیاست جهان سوم، مترجم: امیرمحمد حاجی یوسفی و محمد قانعی نجفی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- ۹- مدنی، جلال‌الدین (۱۳۶۱)، تاریخ سیاسی معاصر ایران، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ۱۰- مدیرشانه‌چی، محسن (۱۳۷۵)، احزاب سیاسی ایران، با مطالعه موردی نیروی سوم و جامعه سوسیالیست-ها، تهران: موسسه خدمات فرهنگی رسا.
- ۱۲- مرتجی، حجت (۱۳۷۸)، جناح‌های سیاسی در ایران امروز، تهران: انتشارات نقش و نگار.
- ۱۳- هرسیچ، حسین (۱۳۸۰)، «فراز و فرود فعالیت‌های حزبی در ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی»، فصلنامه انقلاب اسلامی، ش ۷-۸.